

از برای تعالی حاجت جدا
 هست بیت آنجان بود
 تا باله بره فر روی زرد
 غم این شاه راه اگر کلمه
 بجای از جان تکس بریم
 این دو کام از دها باشد
 خلقی از کام از دها کام
 زنده را نیت در جیح علی
 بشن از رحمت خداوند
 غرق میگرد در شت جوی
 حکم که شمشیر است فرو
 کس نداند زمانه آن شی
 گفتی ای اهل تقوی
 هم تو الهه بنی زان خان

هر شفت که در طریق بود
 رو طرات کرد در راه بود
 با وجودیکه یک قدم
 از برای تو با ز سر کلمه
 یا حی یا قیوم یا مستم
 بی ندانم که چون از راه
 زهر با کبرخی آشنی کند
 مهربان تر از ایند و جلا
 یک طایب اگر خود کند
 روز شش تمانی سنده
 همدستیم جفا ارض
 جو کلمات بجزیرت مند
 هر کسی را بنیاد آگاهی
 شکر بی حضرت علام

هر ذره آتش جوی بود
 عجز مالت نرد با کبر
 هست بر سر و ارض خاک
 روز شش ز نطق صاب
 لیکن از کام از دها
 یک امید و امان بدین
 که بیرون از خطای بود
بجای نیت
 حضرت مصطفی است
 او این آفرین شعور
 تا که از حال است غم
 با ترس غریق غیب
 هر چه خواهی ای شایسته
 بسکال التماس گفتند

عن الکتاب و الله اعلم
 بالتواب

۱۵۳۶
 ۴۴۴

Copyright © King Saud University

شمس
 جمالی

کتابت در کتابخانه
 دانشگاه تهران